

گاهنامه فریاد خاوران

شورای هماهنگی علیه کشتار جمهوری اسلامی

بهمن 1395

شماره 3

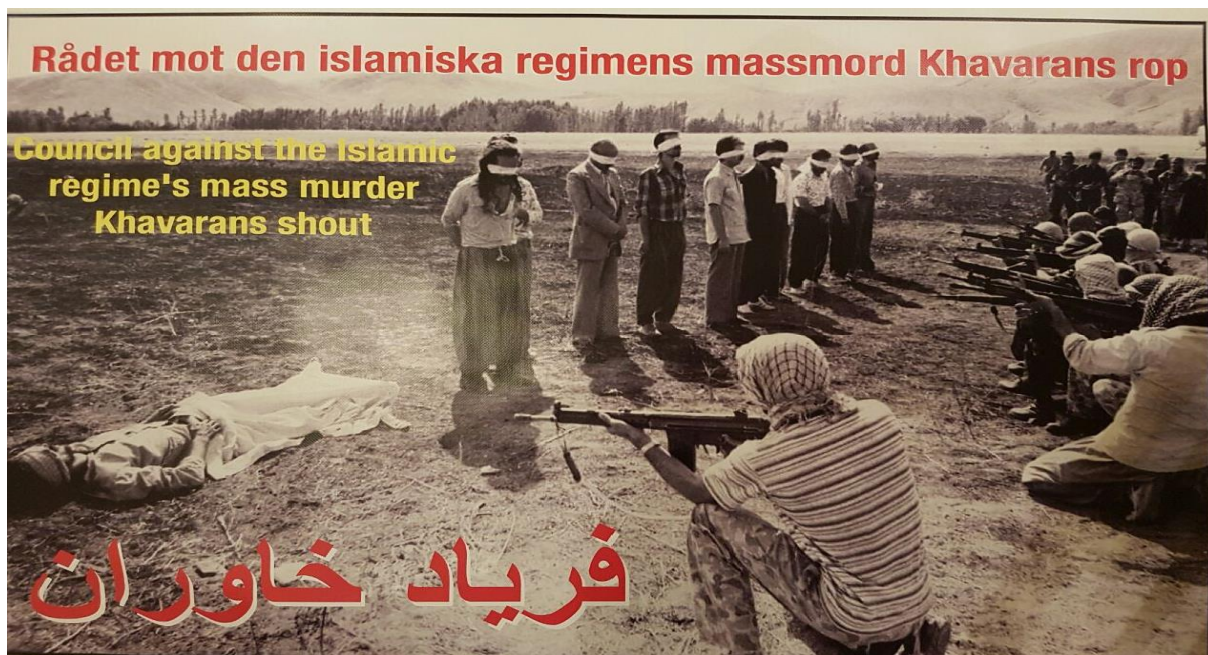
فوریه 2017

shorahamkari@gmail.com

رژیم جمهوری اسلامی ایران از همان بدو به قدرت رسیدن، با زندانی کردن، شکنجه، اعدام، کشتار مخالفین، تحمیل فقر و بیکاری، افزایش اعتیاد و فحشا در جامعه به حیات خود ادامه داد. کماکان اکثریت جامعه از بی حقوقی کامل برخوردارند. نبود حق تشکل و اعتصاب، نبود آزادی بیان، قلم و تجمع بر کسی پوشیده نیست. سرکوب و دستگیری مخالفین، اقلیتهای ملی و مذهبی، کارگران، زنان، جوانان و تمامی نیروهای مترقی از روش حکومتی این رژیم ضد انسانی است.

شورا برای مقابله و افشاگری از این رژیم تشکیل شده است.

شورا علیه کشتارهای جمعی دهه شصت، علیه کلیت رژیم جمهوری اسلامی و خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی توسط مبارزات مردم در ایران است و به هیچ دولت و یا نیروهای وابسته به دولتها اعتماد و وابستگی ندارد.



Protestera mot Stefan Löfvens resa till Iran!

Alla stater och politiker vet mycket väl om Iranska Islamiska republikens våld, förtryck, aggression och anfall mot det Iranska folket.

Den 11 februari vill Sveriges statsminister besöka Iran för att röja vägen för svenska kapitalisters investeringar. Stefan Löfven vill skaka hand med den iranska regimen för att möjliggöra exploateringen av det iranska arbetare och folket utan att bry sig om det sociala och ekonomiska helvete i Iran. Stefan Löfven från Socialdemokratiska partiet och Anders Ferbe från LO agerar som mäklare för kapitalismen och överklassen.

Arbetarna och folket i Iran ser det svenska arbetare och folket som sina solidariska medkämpare. Iranska arbetare hoppas på det svenska arbetare och folkets stöd i sin kamp mot det iranska islamiska republikan och alla regimer och stater som backar upp den i diplomatins och fredens namn.

Protestmöte den 4 februari 2017, kl.14.00-16.00, Sthlm, Mynttorget



به سفر نخست وزیر سوئد به ایران یکصدا اعتراض کنیم!

موج فجایع در ایران علیه اکثریت شهروندان آنچنان رسا است که حتی تمامی نهادهای بین المللی نگرانی خود را ابراز میکنند. زندانهای رژیم مملو از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است. حق تشکل و اعتصاب ممنوع است و هر صدای اعتراضی و با بیان نظرات به وحشیانه تری شکلی سرکوب میشود. هیچ نشانی از انسانیت در طول این 4 دهه مشاهده نشده است. 11 فوریه استفان لوفن نخست وزیر سوئد و عضو حزب سوسیال دمکرات با همراهی اندرش فربه مستول اتحادیه فلز قصد سفر به ایران را دارند تا همراه با سرمایه داران و کارفرمایان سوئد بتوانند قراردادهای اقتصادی با دولت استبدادی ایران بسته و درسود و بهره بری هرچه بیشتری از کارگران ایران سهمیم شوند و نیز توافقات سیاسی دو دولت برای استثمار و نفوذ بیشتر در بازارهای منتقطه را برنامه ریزی کنند.

کارگران و مردم در ایران انتظار دارند که در مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی در ایران از همبستگی دیگر کارگران و مردم کشورهای، اتحادیه ها، سندیکاها، سازمانهای مترقی و دمکرات برخوردار شوند و از آنها میخواهند که به هر شکل میتوانند در مقابل دولتها، احزاب و تشکلات سازشکار و همکار جمهوری اسلامی اعتراض کنند.

گردهمایی اعتراضی 4 فوریه 2017، ساعت 14 تا 16 در میدان مینت ، استکهلم

شورای هماهنگی علیه کشتار جمهوری اسلامی (فریاد خاوران)

Rådet mot den Iranska Islamiska regimens massmord (Khavarans rop)

JANUARI 2017

shorahamkari@gmail.com



سرمایه دار، سرمایه دار است!

میخواهد ایرانی باشد یا سوئدی و یا در جای دیگر متولد شده باشد!

مسلمان باشد یا آتئیست!

فرقی نمیکند که زن باشد یا مرد!

مدرات یا لیبرال و یا دمکراتهای سوئد باشد!

فمینیست باشد یا سوسیال دمکرات!

سرمایه داران به منافع اقتصادی خود فکر میکنند و فرقی ندارد به چه شکل و فرمی، سود و سرمایه شان بیشتر و انبوه تر میشود. سرمایه داران همیشه در پی کارگران ساکت و ارزان هستند. استثمار کارگران غیر متشکل و بدون حق و حقوق نه تنها راحتتر است بلکه پرسودتر است. از اینرو است که مبارزه علیه تشکلهای کارگری، اتحاد و همکاری و همیاری کارگران، هر روزه از طرف صاحبان سرمایه و کارفرمایان زیر ضرب است.

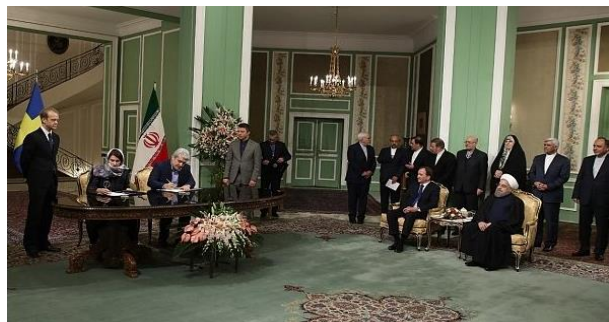
در شرایطی که زندانهای رژیم اسلامی مملو از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است، فقر و بیکاری بیداد میکند، در جامعه ای که انسان مجبور به کولبری و قبرخوابی میشود، جامعه ای که در صدر لیست اعدام کنندگان است و هر صدای به حق و اعتراضی با زندان، شکنجه و سرکوب روبروست، در جامعه ای که اعتیاد و فحشا گریبانگیر پیرو جوان است، سرمایه داران در کاخها دیدار کرده تا متحدن با ستم و استثمار هر چه بیشتر کارگران و مردم پرداخته و در کنار دزدیهای عریان و نجومیشان سودهای بیشتری عایدشان شود.



گله اقتصادی سوئد به سرکردگی، نخست وزیر سوسیال دمکرات، استفان لوفن و نیز همراهی دیگر وزرای فمینیستش برای سرمایه گذاری و دیدار با روحانی و خامنه ای و دیگر تروریستهای جمهوری اسلامی جمعه 10 فوریه وارد ایران شدند.



چندین قرارداد همکاری در زمینه های مختلف از قبیل آموزش عالی و تحقیقات، حمل و نقل، امور زنان و خانواده، ارتباطات و فناوری اطلاعات و زمینه نوآوری و فناوری و نیز ارتباطات و سیستم بانکی نوشته شده است، مدیران شرکتهای ولو، الکتا، اریکسون، اسکانیا، دانسکه بانک، آژانس انرژی، پست و ارتباطات، آژانس حفاظت از محیط زیست و اتحادیه صنعت و فلزکاران در این سفر همراه نخست وزیر سوئد اند. دفتر شورای تجارت سوئد در 50 کشور نماینده دارد و روز شنبه شعبه جدید این شورای تجارت در تهران نیز راه اندازی شد.



آیت الله خامنه ای در دیدار با نخست وزیر سوئد گفت: جوانان تحصیل کرده و با نشاط و آماده بکار مهمترین ظرفیت ایران است!

آیت الله استغفان لوفن در دیدار با رهبر جمهوری اسلامی گفت: جمعیت جوان ایران، سرمایه و دارایی بسیار ارزشمندی است!



مردم سوئد و ایران متحدینشان را در میان مردم کشورهای دیگر می یابند و همچنان که سرمایه داران دست در دست به استثمار و کسب سود بیشتر با کمک دولتهایشان مشغولند، کارگران و مردم ضروری است در همبستگی و همیاری به حفظ دست آوردهای خود پرداخته و برای کسب حقوق بیشتر و زندگی امن و تامین به مبارزه بپردازند. کارگران و مردم در ایران انتظار دارند که در مبارزه علیه بیحقوقی با رژیم جمهوری اسلامی در ایران از همبستگی دیگر کارگران و مردم کشورهای، اتحادیه ها و سندیکاها و سازمانهای مترقی و دمکرات برخوردار شوند، تا بتوانند به یک زندگی انسانی، بدون تبعیض، ستم و استثمار و امن دست یابند. در مبارزه ای که سالها علیه کلیت جمهوری اسلامی به اشکال مختلف در جریان است، مردم ایران کمک و یاری خود را در میان مردم مترقی دنیا جستجو میکنند و از آنها میخواهند که به هر شکل میتوانند در مقابل دولتهای سازشکار و همکار جمهوری اسلامی اعتراض کنند.

امروز همبستگی جهانی ضروری تر از همیشه است.

شورای هماهنگی علیه کشتار جمهوری اسلامی (فریاد خاوران)

Rådet mot den Iranska Islamiska regimens massmord (Khavarans rop)

Februari 2017

shorahamkari@gmail.com

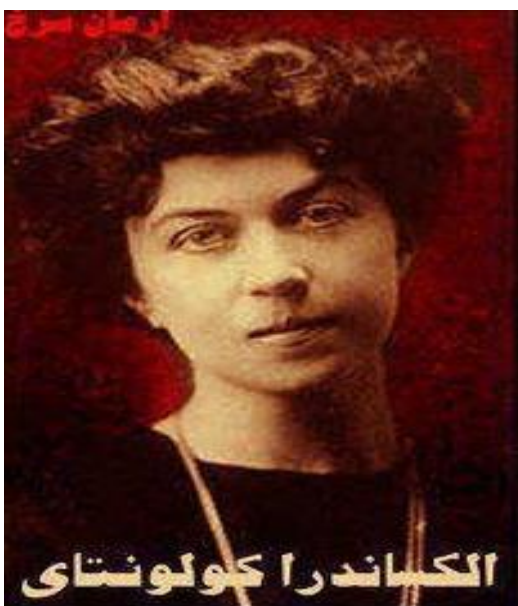




در سال 1871 در کمون پاریس، وقتی کارگران شکست خورده بودند، زنان بورژوا، حتی از مردان حیوان صفت خود، در انتقام خونینشان از پرولتاریای سرکوب شده پیشی گرفتند. زنان طبقات دارا همیشه بطور تعصب آمیزی از استثمار زنان کارگر دفاع کرده اند

جملات زیبا از بزرگان جهان

رُزا لوگزامبورگ



هدف فمینیست ها چیست؟ هدف آنها، این است که همان مزایا، همان قدرت و برتری، و همان حقوقی را در چهارچوب جامعه سرمایه داری کسب نمایند که هم اکنون شوهران، پدران و برادران شان از آنها برخوردار هستند.

هدف کارگران زن، چیست؟ هدف آنها، نابودی و لغو تمامی امتیازاتی است که از روابط موروثی و یا از ثروت و دارائی افراد نشأت گرفته است. برای یک زن کارگر، این که آیا "سرور" مرد است یا زن، موضوعی است علی السویه. او به همراه کل اعضاء هم طبقه اش می تواند موقعیت خود را به عنوان یک کارگر، بهبود بخشد.

الکساندرا کولونتای

روز زن (۱۹۱۳)



من علیه دین می نویسم
زیرا اگر زنان بخواهند مانند
انسان زندگی کنند باید
خارج از چهارچوب دینی و
قانون اسلامی شریعت
زندگی کنند

سلیمه سربین

دست اندرکاران این رژیم منفور جمهوری اسلامی، باعث و بانی این

انفجار و آتش سوزی هستند!



ننگ و نفرت بر سیستم و نظامی که باعث و بانی این فاجعه است، سیستم و نظامی که بوی از انسانیت نبرده و جان انسان برایش ارزشی ندارد، فاجعه دیگری آفرید. این نظام و سیستم گنبدیده که فقط به سود و بهره‌کشی از انسان می‌اندیشد و منافعش جز کسب سرمایه بیشتر چیزی نیست، دهها تن انسان بار دیگر جان خود را در راه این دزدان و مفتخوران سرمایه دار اسلامی از دست دادند.

روزی نیست که فجایع و سوانح کاری را شاهد نباشیم، کارگرانی در نبود ایمنی کاری از ساختمان پرتاب میشوند، کارگرانی دست و انگشت خود را در زیر ماشین از دست میدهند، کارگرانی از مواد سمی، مسموم میشوند، کارگرانی در جاده، زیر ماشین میروند، کارگرانی با ریزش معدن، جان خود را از دست میدهند و... و این بار کارگران آتش نشانی که تجهیزات ابتدایی و محدودی بعلت دزدی سران دولت، کارکنان و باندهای وابسته اشان در اختیارشان گذاشته اند، جان خود را از دست دادند. کارگران آتش نشانی با وجدان و عشق به حیات انسانی، جان خود را به خطر انداخته تا جان دیگری را نجات دهند، آنها نیر با مردم بیشماری سوختند و از میان رفتند. شرافت تک تک این کارگران آتش نشانی هزارها برابر ارزش تمامی این دستگاه و نظام وحشی سرمایه داری جمهوری اسلامی است. خانواده های بیشماری تنها نان آور خود را از دست دادند و در این نظام گنبدیده در قدرت، از هیچ امکانی برخوردار نیستند، آینده سخت و دشواری در انتظار مردان، زنان و کودکان بی‌شمار دیگری در راه است.

این فاجعه به سادگی جبران پذیر نیست. ساده نیست ترمیم انسانهایی که جان در کف با درآمدی ناچیز، بدون تامین اقتصادی و بیمه، کار سخت جسمی و روحی، برای حفظ امنیت و نجات جان دیگران بکوشند.

زنده باد انسانیت کارگران آتش نشانی

کلیت رژیم جمهوری اسلامی مسئول این فاجعه است. تمامی این جانان رژیم باعث و بانی این آتش سوزی و انفجارند، آنها در مکانهای امن خود به دزدی و کتافت کاری خود مشغولند. آنها کسانی هستند که نزدیک به چهار ده شرایط سخت و دشواری را برای اکثریت شهروندان ساخته اند، آنها هزاران انسان شریف را زندانی، اعدام و دسته جمعی به قتل رسانده اند، از این رژیم نمیتوان امنیت، بازسازی شهر و جامعه را انتظار داشت. بازسازی و جامعه امن، زندگی انسانی و مطمئن را میتوان با یاری و حضور تمامی شهروندان پس از سرنگونی کلیت رژیم جمهوری اسلامی و نظام گنبدیده به انتها رسیده سرمایه داری پی ریزی نمود.

به تمامی بازماندگان این فاجعه تسلیت و این ضایعه از دست رفتن کارگران آتش نشانی را نیز به طبقه کارگر و مردم در ایران تسلیت میگویم. یاد تمامی جانباختگان فاجعه پلاسکو گرامی باد.

مرگ بر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

20 ژانویه 2017

شورای هماهنگی علیه کشتار جمهوری اسلامی (فریاد خاوران)

shorahamkari@gmail.com

جمهوری اسلامی موفق شد، انقلاب را سد کرده و به شکست بکشاند!

اینجا و آنجا شنیده و خوانده میشود که جماعتی به فکر پس گرفتن انقلاب بهمن افتاده اند و یا جماعت دیگر اظهار تعصب کرده و تعدادی هم شروع کرده اند معذرت بخواهند.

انقلاب به حق علیه حکومت سرمایه داری سلطنتی توسط مردم ایران به راه افتاد نظام شاهنشاهی نظامی گنبدیده ای بود که منافع اکثریت مردم را به تاراج گذاشته و با زور اسلحه، ارتش و گارد و ساواک و نیروهای نظامی دیگر منافع سرمایه داران و صاحبان سرمایه را حفاظت میکرد و در توافقاتشان با بخشی از روحانیت و دادن امکاناتی به آنها حکومت خود را حفظ نموده بود.



در نظام سرمایه داری شاه، زندان و شکنجه، سرکوب اعتراضات کارگری، زنان، ملیتهای تحت ستم، نبود حق تشکل و اعتصاب و ... تفاوتی در پایه با نظام گنبدیده جمهوری اسلامی سرمایه در این چهاردهه نداشت.



رژیم سلطنتی آنچنان خفقانی را حاکم کرده بود که در طول بیش از 30 سال بهترین جوانان و شهروندان در سیاه چالهای این رژیم زندانی، شکنجه و اعدام شدند، هیچ حق تشکل و سازمانیابی را تحمل نمیکرد و درنده وار سرکوب مینمود. اقلیتهای قومی و دیگر نیروهای اجتماعی زیر شدیدترین فشارها و بی حقوقی بسر میبردند.



در رژیم شاه هم مبارزه علیه این نظام گنبدیده به اشکال مختلف در جریان بود و سالها سازمانها، گروهها و محافل مختلف، کارگران، زنان، جوانان و دانشجویان، نیروهای چپ به شکل زیرزمینی مشغول فعالیت بودند و زندگی را به رژیم سلطنتی سیاه کرده بودند و آب خوش از گلویه شان پایان نمیرفت. تا اینکه سرانجام اعتراضات محلی، خیابانی و اعتصابات کارگری وسیعتر و وسیعتر شد و کل کشور را در بر گرفت و با حضور فعال کارگران و بویژه کارگران نفت کار رژیم تا دندان مسلح شاه را یکسره کرد. این انقلاب با خواست آزادی و رفاه، با خواست کار و نان، با خواست یک زندگی انسانی و برابر برپا شد. این انقلاب موفق شد یکی از دیکتاتورهای سرمایه داری را سرنگون کند، اما نتوانست به کار خود ادامه دهد و نیروهای مذهبی و ارتجاعی با کمک دولتها و امپریالیستها برای سد کردن انقلاب و سرکوب انقلاب به نام انقلاب اسلامی و یا درستتر بگوئیم کودتای سرمایه داران اسلامی به رهبری خمینی ربوده و شکست خورد. سرکوب و خفقان، جنگ و زندان و اعدام، دستگیری و شکنجه به دست ارتجاع اسلامی سرمایه از همان فردای شکست انقلاب به اجرا گذاشته شد.

از اینرو پس گرفتن کدام انقلاب و یا ادامه کدام انقلاب مطرح است، ادامه انقلاب برای سرنگونی دیکتاتور دیگری مانند جمهوری اسلامی تا بتوان یک زندگی انسانی، نان و آزادی، مسکن و کار و رفاه را برای اکثریت شهروندان ایجاد نمود یا اینکه ادامه سرکوب تحت نام دیگر و یا جناح دیگری از رژیم اسلامی قرار است پیش برده شود. کسانی که پوزش میطلبند از همکاریشان در سرکوب مردم با رژیم است یا اینکه موج اعتراضات و بی ثباتی رژیم آنها را مجبور کرده است که چهره عوض نمایند. یا اینکه با وقاحت تمام رهبران جناح از قدرت رانده شده میخواهند راه امام که چیزی جز فقر، بیخانمی و دیکتاتوری اسلامی سرمایه نیست را میخواهند پیش ببرند. و یا اینکه سلطنت طلبان شکست خورده از فجایع جمهوری اسلامی سرمایه سو استفاده کرده و شرایط را با دوره شاه مقایسه کرده و علیه انقلاب یاوه سرایی میکنند.

پس گرفتن انقلاب با سرنگون کردن رژیم اسلامی سرمایه آغاز میشود و میتوان جامعه انسانی با آزادی و رفاهی عمومی را پی ریزی کرد. کارگران و زحمتکشان و تمامی نیروهای اجتماعی باید به نیروی خود اتکا نکنند نه به این رهبر، شاه، شیخ، ملا و آن سردار.

جمهوری اسلامی حامی هیچ مبارزه و یا ترقی خواهی در منطقه نیست.

مرتجعین خاورمیانه از یاران و نزدیکان جمهوری اسلامی هستند.

جمهوری اسلامی با کمک دولتهای امپریالیستی، انقلاب مردم ایران علیه دیکتاتوری شاه، که خود ارمغانی جز حمایت از سرمایه و خفقان سلطنتی، زندان و شکنجه، ستم و استثمار و نوکری امپریالیسم آمریکا را نداشت را در نیمه راه سد کرد. انقلابی که برای آزادی و رفاه علیه یکی از خونخوارترین دولتهای سرمایه داری منطقه، که با همراهی اسرائیل ژاندارم منطقه بودند برپا شده بود. این انقلاب توانست نه تنها دیکتاتوری شاه را از میان بردارد، بلکه ضربه محمکی به امپریالیستها و منافع سیاسی و اقتصادی آنها وارد نمود و از سمپاتی فراوانی در میان کارگران و زحمتکشان منطقه نیز برخوردار بود. نیروهای چپ و مترقی و انقلابیون ایرانی متحدین واقعی و یاران مردم فلسطین و نیز منطقه بوده و نیز کارگران، زحمتکشان و مبارزین دیگر کشورها انقلاب در ایران را با جدیت تمام پیگیری کرده و از خود میدانستند.

انقلاب در ایران فقط منجر به ضربه زدن به منافع امپریالیستها در ایران نشد، بلکه در کل منطقه، نیروهای امپریالیسم ضربه خورده و اسرائیل مقام ژاندارمی اش را که با همکاری شاه سرنگون شده ایران داشت را از دست داد و پایگاه امپریالیسم در منطقه بی ژاندارم شد. همبستگی مبارزات مردم ایران و فلسطین قوی تر شده و همکاریهای شایانی فی مابین جریانات مترقی در جریان بود.

انقلاب در ایران توانست دیکتاتور تا دندان مسلح را سرنگون کرده، اما نتوانست به اهداف خود دست یابد. انقلاب در مقابل رژیم دست دوم و دست نشانده امپریالیستها شکست خورد. رژیم جمهوری اسلامی سرمایه از همان ابتدای به قدرت رسیدن با سرکوب و خفقان، شکنجه و اعدام آغاز نمود و انقلابیون بیشماری را زندانی، اعدام و یا مجبور به ترک کشور نمود. این رژیم از همان ابتدا برای صدور اسلام دست بکار شد و از تمام مرتجعین منطقه برای پیشبرد اهداف ارتجاعی خود پشتیبانی نموده و وارد همکاری شد. در زمان انقلاب شعارهایی در جامعه جا افتاده بود که حتی جمهوری اسلامی هم نمیتوانست از آنها به راحتی بگذرد و با از ذهن مردم پاک کند، مردم علیه امپریالیسم بودند و دولت اسرائیل، جمهوری اسلامی هم به دروغ این شعارها را بدست گرفت، گرچه هیچگاه دارای چنین نظر و اهدافی نبود و در مدت کوتاهی به دنبال امپریالیستهای اروپای افتاد و مخالفت با اسرائیل از سر قدرت در منطقه و ادعای ژاندارمی منطقه به نام اسلام را در سر داشت.

جمهوری اسلامی، اسرائیل را رقیب خود می بیند و نه اینکه در پایه و اساس فرقی با هم داشته باشند. وحشیگری هردو نسبت به مردم در ایران، فلسطین و اسرائیل از منافع اقتصادی و سیاسی این دولتها نشعت میگیرد. رژیمی که در درون مرزهای حکومتی خود هر اعتراض و هر مبارزه به حق را با زور و اسلحه جواب میدهد، چگونه میتواند مدافع واقعی مبارزات و خواسته های به حق مردم در مرزهای دیگر باشد. در طول این مدت رژیم جمهوری اسلامی مدافع مرتجعین منطقه در لبنان، سوریه و... دیگر کشورها بوده اند و به دروغ به مردم ایران خود را یاران مبارزات مردم در دیگر کشورها فریاد زده اند. جمهوری اسلامی فعالانه در سوریه با نیروهای وابسته به خود در جنگ ارتجاعی بیوقفه به قتل عام مردم سوریه مشغول است. متأسفانه تبلیغات درون این رژیم به اشتباه بخشی از مردم را گمراه کرده و تصور میکنند که رژیم در حالی یاری رسانی مادی و معنوی و در همبستگی با مردم زیر ستم در خاورمیانه هستند. این اشتباه محض است. رژیم ایران حامی مبارزات مردم نیست، بلکه در حال یاری رسانی به مرتجعین و سرکوبگران مشابهی مانند خود است.

شیخی را گفتند: عبا عمامه ات را می فروشی؟
گفت: صیاد اگر دام خود فروشد، با چه صید کند؟
عبید زاکانی



شبح انقلاب در گشت و گذار است!

بحران سرمایه داری و شکست نئولیبرالیسم در چند سال گذشته شرایط سخت اقتصادی و اجتماعی فراوانی را دامن زده است و مانند همیشه، بار این مشقات بردوش کارگران و زحمتکشان سنگینی میکند. نظام سرمایه داری، نظام بحران زا است و بحران جز لاینفک این سیستم پرتناقض است.

سیستمی که برستم و استثمار استوار است و هدفش سود و ارزش اضافه است. با مالکیت بر ابزار تولید و مالکیت خصوصی، اموال اجتماعی را مصادره کرده است، از اینرو نتیجه بهتری از شکست اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژی را بهمراه نمیتواند داشته باشد. متأسفانه این سیستم ورشکسته، توانست دوباره چند دهه به حیات ننگین خود ادامه دهد و بار تمامی این مشکلات، فقر و گرسنگی، بی خانمانی و بیکاری و ... را جهانی کند.

در چند سال گذشته شاهد اعتراضات توده ای در سطح جهانی هستیم و تمامی دولتها، یکی پس از دیگری به لرزه افتاده اند. دولتهای ورشکسته با کمک صندوق جهانی پول و اتحاد اروپا و بانک مرکزی و نیز یاری احزاب سوسیال دمکرات، احزاب محافظه کار و احزاب راست افراطی سعی دارند که دولتهای کنونی را حفظ کنند و یا با تغییر چند مهره و فرد مسئله را فیصله دهند.

احزاب فاشیست و نیروهای ارتجاعی موقعیت دوباره یافته تا با شکستن ورشکستگی سیاسی و اقتصادی بر سر مهاجرین و پناهندگان عرض اندام دوباره کنند.

تمامی نیروها و دولتهای ارتجاعی به اشکال مختلف و ترس از انقلاب و سرنگونی دولتهای سرمایه داری، علیه هر اعتراضی یورش وحشیانه میبرند.

در این شرایط پیشروی هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان در گرو سازماندهی هرچه بیشتر است تا بتوان در مقابل نظام گندیده حاکم مقابله کنند.

نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی با هر فرم و شکل جناحهایش در شرایط بی ثباتی کامل قرار دارد و در صدر کشورهای است که برای از صحنه خارج شدن و به زباله دان تاریخ پرتاب شدن، قرار دارد.





**کودکان کار و خیابانی؛
بردگان و قربانیان فقر و سرمایه!**



**پدر بزرگ در فکر نان بود،
پدرم در فکر آزادی،
من ... در فکر نان و آزادی!**

تعیین دستمزد هر ساله، نشانه توحش رژیم اسلامی است!

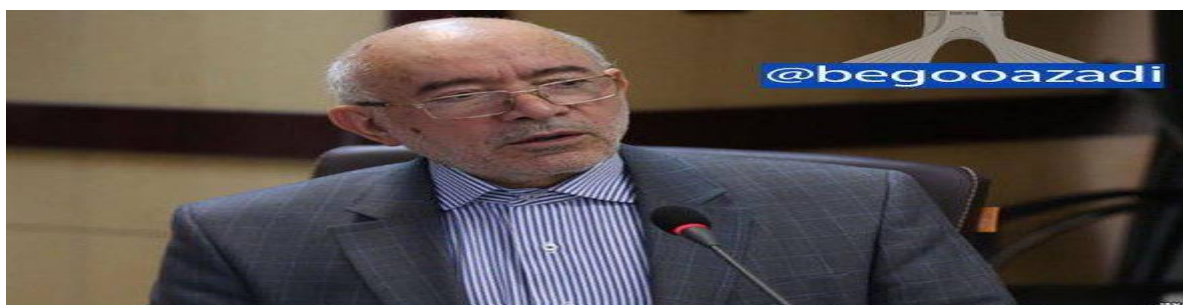
حداقل دستمزد تعیین شده شورای عالی کار صورت میگیرد. نمایندگان واقعی کارگری هیچ نقشی در تعیین دستمزد، ساعت کار، مرخصی، بیمه و غیره ندارند. در شرایطی که حق تشکل و اعتصاب وجود ندارد، زمانی که مبارزه برای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری عواقب سرکوب، زندان را به همراه دارد، مذاکره دو طرفه ما بین خریداران کار و فروشندگان نیروی کاری معنی است. کارفرمایان و صاحبان سرمایه در همراهی با دولت و تشکلهای دست ساخته رژیم مانند شوراها و انجمنهای اسلامی و خانه کارگر در اتحاد با هم قوانین کار را خود طراحی کرده و تدوین می نمایند.

بر طبق آمارهای خود ارگانهای دولتی ز خط فقر 4 میلیون تومان برای یک خانواده چهار نفره مشخص شده است، در نظر گرفتن نرخ تورم در این حسابها مانند همیشه غایب است. سال 95 یک چهارم دستمزد را به میلیونها خانواده کارگری قبولانند. این دستگاه سرکوبگر و دزد با آمارهای نیم بندش خبر از تورم بیشتر میدهند و سبب مورد نیاز هر خانواده را میلیونها تومان تخمین میزنند، اما با وقاحت تمام دولت، نمایندگان کارفرمایان و نمایندگان دست ساز رژیم برای کارگران به توافق رسیدند که فقر و بی حقوقی بیشتری را برای اکثریت جامعه اعمال کنند.

نمایندگان کارگران جایی در تصمیمات ندارند. کارگران حق تشکل ندارند و رژیم بی وقفه و تعطیل ناپذیر حمله به سندیکاها، سازمانها و کمیته های کارگری، اعتراضات و تجمعات کارگری را سیستماتیک به پیش برده و فعالین و نمایندگان واقعی کارگران در زندانها و یا زیر کنترل مافیایی رژیم هستند. کارگران در هیچ کجا در این دستگاه با قوانین کاری ضد کارگری اش نمایندگی نمیشوند، حتی برای تعیین حداقل دستمزدشان.



دم و دستگاہی های رژیم به حرف آمده اند!



علی اکبر سیاری معاون وزارت بهداشت: ۳۰ درصد مردم کشور گرسنه‌اند و نان خوردن ندارند که این آمار را وزارت رفاه هم تأیید می‌کند.

این یک مقام رسمیه که آمارش قطعاً از واقعیت کمتره اما ۳۰ درصد گرسنه اند گرسنه!!



نایب رئیس مجلس: ۸ میلیون بیکار داریم، حدود ۷ تا ۸ میلیون نیز بیکار پنهان



"نماینده تهران: در گنداب و فساد فرو رفتیم"

نماینده مجلس خامنه ای از تهران: مسئولین تحقیق و بازرسی برای مقابله با فسادها خود رشوه گرفتند

او ادامه داد: اری! وقتی برخی نهادهای نظارتی که خود مسئول مبارزه با فسادند، آلوده به فساد می‌شوند، وقتی بعضی از اعضای کمیته تحقیق و تفحص از بنیاد شهید که مسئول کشف فساد در این نهاد بودند، مورد تطمیع قرار می‌گیرند، معلوم می‌شود که ما با بیش از ۲۰ دستگاه عریض و طویل نظارتی دچار یک فساد ساختاری هستیم و هرچه سازمان و ستاد جدید تشکیل می‌دهیم، بیشتر در گنداب فساد فرو می‌رویم. محمود صادقی - سوم شهریورماه ۱۳۹۵

گردهمائی اعتراضی علیه سفر نخست وزیر سوئد به ایران

استفان لوفن، نخست وزیر سوئد، همراه با کاروانی از سرمایه داران سوئد، روز 11 فوریه 2017 راهی ایران است. در این سفر قرار است که سران جمهوری اسلامی را برای بستن قرار دادهای اقتصادی و توافقات سیاسی ملاقات کند.

ماهیت و اعمال ضد انسانی رژیم جمهوری اسلامی در نزدیک به 4 دهه برای همگان آشکار و کاملاً افشا شده در افکار عمومی جهانی است.

علیه این روابط دو دولت، که هیچ نفعی برای کارگران و مردم به همراه ندارد، می بایست متحد و یکصدا اعتراض کرد.

همگان را فرا میخوانیم که در گردهمائی اعتراضی روز شنبه 4 فوریه ساعت 14 تا 16 در مین توریت شرکت فعال نمایند.

شنبه 4 فوریه

ساعت 14 تا 16

Mynttorget, Stockholm

هیئت برگزاری تظاهرات علیه سفر نخست وزیر سوئد به ایران

به افشاگری هر چه بیشتر جمهوری اسلامی و دولتهای همکارش

متحدا بپاخیزیم!

کارگران در ایران از حق تشکل و حق اعتصاب برخوردار نیستند و زندانهای رژیم مملو از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است. مبارزه کارگران برای حق تشکل و ایجاد تشکلهای مستقل کارگری با ضرب و شتم رژیم روبرو است. کارگران زندانی با جریمهای دروغین در بیدارگهی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی محکوم میشوند. کارگران در چهارده حکومت اسلامی، هیچگاه دست از مبارزه برای حق و حقوق خود نکشیده اند و روزی نیست که چندین اعتصاب و اعتراض کارگری در ایران سازماندهی و برپا نشده باشد. در مقابل جمهوری اسلامی با کمک نیروهای امنیتی و نظامی خود به صفوف کارگران وحشیانه حمله ور شده و به دستگیری، ضرب و شتم، شلاق زدن کارگران و نیز کشتار کارگران پرداخته است. جرم کارگران در ایران مبارزه برای خواسته ها و مطالبات به حق آنهاست. حق ایجاد تشکلهای مستقل خود، مقابله با اخراج، خواست حقوقهای عقب افتاده، ایمنی محیط کار و مبارزه برای افزایش دستمزد بخشی از مبارزات تعطیل ناپذیر کارگر بوده و هست.

تشکلهای وابسته و دست ساخت رژیم به نام کارگران، نقش جاسوسان محل کار و در همکاری و همراهی با صاحبان سرمایه، صاحب کاران و کارفرمایان مشغولند و هر تماس و صحبت بین کارگران را زیر نظر داشته و کنترل میکنند.

سازمانها و تشکلهای بین المللی سالانه از نقض حقوق کارگران و بی حقوقی کارگران و زندانی بودن فعالین کارگری برای ایجاد تشکل را گزارش میدهند.

در چنین وضعیتی، استفان لوفن، نخست وزیر سوئد و عضو حزب سوسیال دمکرات، با دهها سرمایه دار و سرمایه گذار از سوئد و نیز برای آرایش و تکمیل کردن کاروان خود، آندرش فربه مسئول اتحادیه فلز سوئد که تاکنون نفعی برای کارگران سوئد نداشته است، جز به سکوت کشاندن کارگران با استفاده از سیاست همکاری و سازش طبقاتی، راهی ایران هستند. دولت سوئد و ایران سالهاست که مشغول همکاری هستند و در شهرهای مختلف ایران شرکتهای مختلف سوئدی مشغول بهره وری و کسب سود با استفاده از نیروی کار ارزان در ایران میباشند. سوئد یکی از دهها کشور غربی است که در همکاری با رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی به استثمار هر چه بیشتر کارگران مشغول است و سعی در افزایش سرمایه های هر چه بیشتر دارد. در این میان کارگران و مردم ایران نفعی عاندشان نشده و نخواهد شد. در عمل بار دیگر نشان داده میشود که متحد کارگران و مردم ایران دولتها و سرمایه داران نیستند، بلکه آنها نیروهای مدافع و همبسته با خود را باید در میان کارگران و مردم مترقی در دیگر کشورها پیدا خواهند کرد.

برای افشاگری هر چه بیشتر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و دولتها و دمکراتهای دروغین و کارچاق کن سرمایه داران، گردهمایی اعتراضی در روز شنبه 4 فوریه بین ساعت 16/14 در میدان مینت در استکهلم برگزار میشود. همگان را فرامیخوانیم که به این حرکت اعتراضی بپیوندند.

فوریه 2017

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران – سوئد کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد

Stå stark mot samarbete med terrorregimen i Iran!

Arbetarna i Iran saknar organisationsrätt och strejkrätt och många arbetaraktivister sitter i fängelse för att de har krävt rätt att organisera sig och har kämpat för sina fackliga rättigheter. Islamiska regimen har bildat sina organisationer såsom islamiska rådet, islamiska arbetarföreningar och liknande på fabriker och olika arbetsplatser och de spelar som spion för regimen mot arbetarna. Folket saknar yttrande frihet och fängslas med falska påståenden och anklagelser från regimen. Idag är iranska fängelser full av politiska fångar som lever med tortyr och våldtäkt utan att ha möjligheter till försvar. Det finns politiska fångar som väntar på sin exekution samtidigt som arbetarna piskas på öppengata bara för att dem har begärt de uteblivna löner och berättigade lönehöjningar.

Vad säger arbetarna och folket i Sverige om affärsresa till Iran?

Den 11 februari 2017 reser statsminister, Stefan Löfven och Anders Ferbe, Metal ordförande som medföljare med en rad svenska kapitalister till Iran. De kommer skaka hand med den iranska regimen för att möjliggöra exploateringen av det iranska arbetare och folket utan att bry sig om det sociala, politiska och ekonomiska helvete i Iran.

**Protestmöte den 4 februari 2017
kl.14.00-16.00, Sthlm, Mynttorget**

Iransk-svenska arbetarsolidaritetskommittén (ISASK)

در مقابل سفر نخست وزیر سوئد به همراهی مسئول
اتحادیه فلز با ده ها سرمایه دار و استثماری سوئد به
ایران محکم باید ایستاد.

علیه تمامی دولتها و احزاب و تشکلهای سازشکار و
همکار جمهوری اسلامی قویا اعتراض کنیم.

**گردهمایی اعتراضی 4 فوریه 2017
ساعت 14 تا 16 در میدان مینت ، استکهلم**

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد

متحدا به سفر نخست وزیر سوئد برای همکاری با جمهوری اسلامی در ایران اعتراض کنیم!

رژیم استبدادی در ایران با سرکوب، کشتار، زندان، شکنجه و اعدام به سرکار آمد، کماکان به همین روال تا کنون به حیاط خود ادامه داده است و کلیت این رژیم متحدا برای حفظ حکومت و منافع خود از هیچ وحشیگری دریغ نمی کند.

جامعه ایران با سرکوب و تهدید، رعب و وحشت توسط رژیم منفور جمهوری اسلامی اداره میشود. در جامعه ایران هیچ بویی از آزادی و یک زندگی انسانی به مشام نمیرسد. این ننگ بشریت است که کماکان دولتهایی موجودند که از ابزار سرکوب، زندان، شکنجه، مجازات مرگ و اعدام استفاده میکنند.

نخست وزیر سوئد، استفان لوفن همراه با دسته ای از سرمایه داران برای همکاری با جمهوری اسلامی و سرمایه گذاری و کسب سود بیشتر، 11 فوریه به ایران سفر میکنند.

دولت سوئد در شرایطی که اکثریت مردم در ایران در سختترین شرایط و زیر سلطه یکی از دیکتاتورترین دولتهای جهان هستند، دست همکاری دراز کرده است. این جز نمایش و عریان کردن دمکراسی دروغین دولت سوئد چیز دیگری نیست.

ما همگان را فرامیخوانیم که همراه با ما به اعتراض و افشاگری از دولت ضد انسانی جمهوری اسلامی و نیز دولتها و احزاب همکار و همراهشان بپیوندند.

متحدان واقعی مردم ایران، دولتها و نظام حاکم در جهان نیستند، بلکه مردم و شهروندان آزادیخواه و مترقی در جهان هستند.

همگان را فرا میخوانیم که در گردهمایی اعتراضی روز شنبه 4 فوریه ساعت 14 تا 16 در مین توریت شرکت فعال نمایند.

مادران پارک لاله - استکهلم

ژانویه 2017

نامه سرگشاده در مورد سفر نخست وزیر سوئد به ایران

کمتر کسی است که از فجایع و سرکوبگری مردم در ایران در دوران حکومت جمهوری اسلامی خبر نداشته باشد. دولتها و سیاستمداران بهتر از هر کسی میدانند که نزدیک به چهاردهه جمهوری اسلامی در ایران به وحشیانه ترین شکلی، اکثریت شهروندان را به نابودی کشانده است.

موج فجایع در ایران علیه اکثریت شهروندان آنچنان رسا است که حتی تمامی نهادهای بین المللی نیز هر ساله در گزارشات خود به نقض حقوق شهروندان، بی امنیتی اجتماعی، شرایط ناامن، نبود حق تشکل، اعدامها، زندانی و شکنجه، تجاوز و تبعیض جنسیتی و خودکشی دختران جوان و ... در ایران اشاره کرده و نگرانی خود را از شرایطی که از طرف رژیم حاکم، جمهوری اسلامی در ایران اعمال میشود، ابراز میکنند.

کارگران و مزدگیران با دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و یا بیکار سازیهای وسیع دست و پنجه نرم می کنند، به کارگران اعتصابی که به دریافت نکردن ماهها دستمزد اعتراض می کنند حمله ور شده و به نماینده گانشان شلاق میزنند، کاملاً با شیوه های قرون وسطائی با معترضین برخورد می شود، زنان شدیدترین بی حقوقی ها و ستم مضاعف تحت حاکمیت رژیم اسلامی را با پوست و استخوان خود احساس میکنند، جوانانی که ابتدایی ترین حقوق انسانی از آنان سلب شده است قربانیان اصلی معضلات اجتماعی همانند، بیکاری، اعتیاد هستند، تجارت دختران جوان و فحشاء و خشونت های گوناگون که در نهایت بازتاب آن به سرکوب، زندان، شکنجه و محرومیت ختم میشود. همه اینها از معضلات واقعی جامعه ایران است که میلیونها انسان با آن دست بگریبانند.

جمهوری اسلامی در ایران از بدو به قدرت رسیدن با حمله به زنان، کارگران، اقلیتهای مذهبی و قومی، معلمان و پرستاران و ... توسط نیروهای امنیتی و نظامی به حفظ حاکمیت خود پرداخته است.

زندانیهای رژیم مملو از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و عقیدتی است و تحت شدیدترین شرایط و با احکام بیدادگاهها شکنجه و اذیت و آزار میشوند. طبق آمار خود رژیم صدها هزار نفرکماکان در زندان بسر می برند و طبق آمار جهانی ایران در کنار امریکا و چین بیشترین میزان اعدام را بکار می گیرند و ایران به مقام دوم در اعدام کردن رسیده است، در دوران روحانی بیش از 3 الی 4 اعدام روزانه صورت میگیرد، فقط در سال 2015، بنا بر آمارهای رسمی 1054 نفر اعدام شده اند، رقم واقعی اعدامها طبیعتاً بیشتر از آمار اعلام شده دولتی است. تعداد بیشماری از زندانیان سیاسی مجبور به اعتراض و اعتصاب غذای طولانی در زندانهای جمهوری اسلامی هستند تا بتوانند از حداقل امکانات برای زنده ماندن برخوردار شوند.

چند سال پیش کارل بیلد که وزیر امور خارجه سوئد و عضو حزب مدرات به ایران سفر کرد، ایران را جامعه ای سکولر و تنها مشکل ایران را، کند بودن اینترنت بیان کرد!!!

هم اکنون استفان لوفن نخست وزیر سوئد و عضو حزب سوسیال دمکرات بعد از سفرهای جنجال برانگیزش و دیدار با دیگر دیکتاتورها، برای جاده صاف کردن سرمایه های سوئد بدون توجه به اوضاع اجتماعی و سیاسی و بی حقوقی کارگران و مردم ایران، قصد سفر به ایران را دارد تا همراه با سرمایه داران و کارفرمایان از جمله برادران والنبری بتوانند قراردادهای اقتصادی آنچنانی با دولت استبدادی ایران بسته و در سود و بهره بری هرچه بیشتری از کارگران ایران سهیم شوند.

نخست وزیر سوئد، استفان لوفن در فکر به دادگاه بین المللی کشاندن اسد قائل مردم سوریه است. اما متحد اصلی اسد، جمهوری اسلامی ایران که سالها از طریق حزب الله به قتل عام مردم سوریه مشغول بوده و میلیاردها دلار به دولت سوریه برای ادامه سرکوب مردم سوریه کمک کرده است، دست همکاری و همپاری دراز میکند. این نمایش جز بیان اینکه دلالی سرمایه داری مرزی نمیشناسد، بیش نیست.

البته طبقه کارگر سوئد بویژه کارگران مثال مزه تلخ کم کردن درآمد کارگران را در زمانی که استفان لوفن مسئول اتحادیه فلز بود را تحت عنوان همکاری طبقاتی و در اصل به نفع سرمایه داران سوئد چشیده اند و فراموش نخواهند کرد.

فروش تسلیحات جنگی بوفورش، ساب و ... که سودهای فراوانی را سالها عاید سرمایه داران و شرکتهای سوئدی کرده است تا کمک به ادامه جنگ و خشونت، کشتار هزاران نفر از مردم بی گناه در سوریه، افغانستان و عراق و ... آواره شدن میلیونها مردم بی گناه را به همراه داشته است. دولت سوئد نقش دلال سرمایه داران سوئد را بعهد گرفته است، همبستگی سرمایه داران را به بهترین شکل سازمان داده و در عمل یار آنها برای کسب سود بیشتر به قیمت سرکوب و ادامه خفقان مردم در دیگر کشورها است.

کارگران و اتحادیه و سندیکاهای کارگری، سازمانهای مترقی و دمکرات و نیز مردم سوئد هیچ نفعی از این قراردادهای خانمان برانداز سرمایه داران سوئد با دیگر کشورها عایدشان نخواهد شد. طبیعتاً دولتهایی که جز سیاست ریاضت اقتصادی و پس گرفتن تمامی دست آوردهای مبارزات مردم سوئد، ایجاد هزاران کودک فقیر، لشگری از بازنشستگانی که سالها به ساختن این جامعه مشغول کار بوده اند، به خاطر وضعیت بد اقتصادی نمیتوانند غذای حتی محدودی را در روز تهیه کنند، بیکاری و سطح پائین دستمزدها و سختتر شدن استاندارد زندگی، مسکن، بهداشت و ... عاید اکثریت مردم سوئد شده است، در شرایطی که اوضاع اقتصادی سوئد از همیشه بهتر و صندوق دولت پربارتر از همیشه است را نمیتوان بیشتر انتظار داشت. در مقابل کارفرمایان و سرمایه داران بیشماری از دادن مالیات سرباز زده و سودهای نجومی شان در مقابل افزایش مییابد.

مردم سوئد متحدینشان را در میان مردم کشورهای دیگر می یابند و همچنان که سرمایه داران دست در دست به استثمار و کسب سود بیشتر با کمک دولتهایشان مشغولند، کارگران و مردم ضروری است در همبستگی و همیاری به حفظ دست آوردهای خود پرداخته و برای کسب حقوق بیشتر و زندگی امن و تامین خود بپردازند.

کارگران و مردم در ایران نیز انتظار دارند که در مبارزه علیه بیحقوقی با رژیم جمهوری اسلامی در ایران از همبستگی دیگر کارگران و مردم کشورها، اتحادیه ها و سندیکاها و سازمانهای مترقی و دمکرات برخوردار شوند، تا بتوانند به یک زندگی انسانی، بدون تبعیض، ستم و استثمار، امن دست یابند. در مبارزه ای که سالها علیه کلیت جمهوری اسلامی به اشکال مختلف در جریان است، مردم ایران کمک و یاری خود را در میان مردم مترقی دنیا جستجو میکنند و از آنها میخواهند که به هر شکل میتوانند در مقابل دولتهای سازشکار و همکار جمهوری اسلامی اعتراض کنند.

امروز همبستگی جهانی ضروری تر از همیشه است.

شورای هماهنگی علیه کشتار جمهوری اسلامی (فریاد خاوران)

Rådet mot den Iranska Islamiska regimens massmord (Khavarans rop)

JANUARI 2017

shorahamkari@gmail.com



گزارش کوتاهی از گردهمایی اعتراضی علیه سفر نخست وزیر سوئد به ایران

شورای هماهنگی علیه کشتار جمهوری اسلامی (فریاد خاوران) در همکاری با دیگر سازمانها، تشکلهای و نهادها، به سازماندهی یک هیئت برگزاری تظاهرات علیه سفر نخست وزیر سوئد به ایران پرداخت. گردهمایی اعتراضی علیه سفر نخست وزیر سوئد و مسئول اتحادیه فلز سوئد در 4 فوریه برگزار شد. در این تظاهرات سازمانها و کمیتهها مختلف پیام و اعتراض خود را به اطلاع رساننده و نمایندگان از طرف سازمانهای مترقی سوئد پیام پشتیبانی از خواست تظاهرات و اعتراض خود به سفر نخست وزیر سوئد به ایران را ارائه دادند. هیئت برگزاری تظاهرات علیه سفر نخست وزیر سوئد به ایران نیز هیئتی را منتخب نمود که با مسئول اتحادیه فلز دیداری داشته باشند و ضمن ارائه نامه اعتراضی در مورد وضعیت کارگران، نبود حق تشکل و اعتصاب و نیز خواست آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی صحبت نمایند. در رادیوهای محلی در مورد این سفر در طول چند هفته فعالانه بحث و گفتگو صورت گرفت و نیز ارتباط فعالی با مطبوعات سوئد پیش برده شد.

شورای هماهنگی علیه کشتار جمهوری اسلامی (فریاد خاوران) به ادامه افشاکگری از جمهوری اسلامی و نیز دولتهای همکار با رژیم استبدادی ایران را فعالانه ادامه خواهد داد.

4 فوریه 2017 – استکهلم . میدان مینت



متحد و متشکل علیه سیستم و نظامی که بانی زندان، شکنجه و اعدام است، بپاخیزیم!

رژیم استبدادی در ایران، یکی از دستاوردهای سیاه اش قصاص است، رژیمی که با سرکوب، کشتار، زندان، شکنجه و اعدام به سرکار آمد، کماکان به همین روال تا کنون به حیاط خود ادامه داده است و کلیت این رژیم متحدا برای حفظ حکومت و منافع خود از هیچ وحشیگری دریغ نمی کند.

اعدام ریشه و گذشته های دور و تاریک در زندگی و حیاط انسانها را دارد، اما در شرایط کنونی ایران، یکی از کشورهای سیاهی است که ارقام اعدامش حتی صدای اعتراض بخشی از دولتها و نیزدم و دستگاههای مختلف جهانی را در آورده است. این ننگ بشریت است که کماکان دولتهایی موجودند که از ابزار سرکوب، زندان، شکنجه، مجازات مرگ و اعدام استفاده میکنند.

ضروری است به جای ستایش جلادی که یک دسته ای از "جنایتکاران" را اعدام میکند تا جا را برای "جانیان" بعدی باز کند، بطور جدی درباره تغییر سیستمی اندیشید که چنین جنایتهایی را بوجود می آورد.

این چه جامعه ای است که وسیله بهتری برای دفاع از خود جز جلاد نمی شناسد؟ باید برای لغومجازات مرگ و حکم اعدام، بدون قید و شرط متحد و متشکل شد و نیز خواهان نابودی چوبه دار و اعدام گردید.

باید خواهان آزادی تمامی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی شد.

برای تغییر سیستم و نظامی که بانی این فجایع و جنایتها است، باید متحد و متشکل بپاخواست.

شورای هماهنگی علیه کشتار جمهوری اسلامی (فریاد خاوران)

Rådet mot den Iranska Islamiska regimens massmord (Khavarans rop)

shorahamkari@gmail.com



اهداف و آئین نامه

شورای هماهنگی علیه کشتار جمهوری اسلامی

(فریاد خاوران)

اهداف شورا

رژیم جمهوری اسلامی ایران از همان بدو به قدرت رسیدن، با زندانی کردن، شکنجه، اعدام و کشتار مخالفین و تحمیل فقر و بیکاری، افزایش اعتیاد و فحشا در جامعه به حیات خود ادامه داد. کماکان اکثریت جامعه از بی حقوقی کامل برخوردارند. نبود حق تشکل، اعتصاب، آزادی بیان، قلم و تجمع بر کسی پوشیده نیست. سرکوب مخالفین، اقلیتهای ملی و مذهبی، کارگران، زنان، جوانان و تمامی نیروهای مترقی از روش حکومتی این رژیم ضد انسانی است.

شورا برای مقابله و افشاگری از این رژیم تشکیل شده است.

شورا علیه کشتارهای جمعی دهه شصت، علیه کلیت رژیم جمهوری اسلامی و خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی توسط مبارزات مردم در ایران است و به هیچ دولت و یا نیروهای وابسته به دولتها اعتماد و وابستگی ندارد.

روش کار

- انتشار اطلاعیه و اخبار مبارزات به زبانهای فارسی و سوئدی
- برگزاری جلسات بحث و گفتگو، بحث آزاد و شور و مشورت جمعی
- برگزاری شبهای همبستگی
- تماس با نیروهای مترقی دیگر کشورها برای همکاری
- جلب همبستگی و پشتیبانی از مبارزات مترقی مردم در ایران
- تشکیل گروههای کاری
- برگزاری آکسیونها و گردهمائی های اعتراضی و افشاگرانه از رژیم جمهوری اسلامی

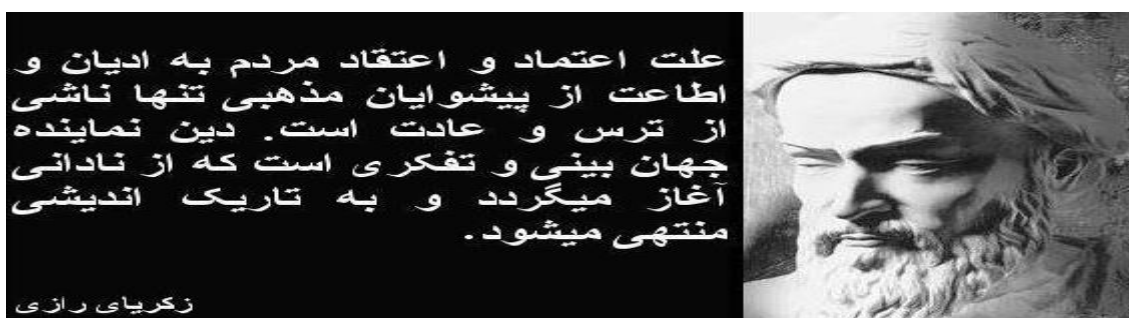
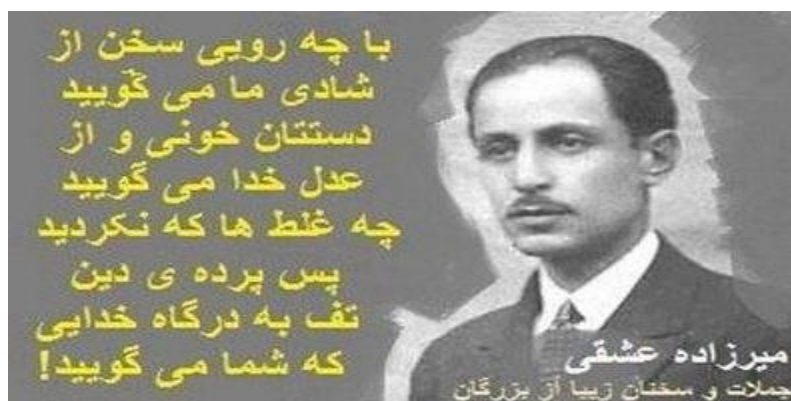
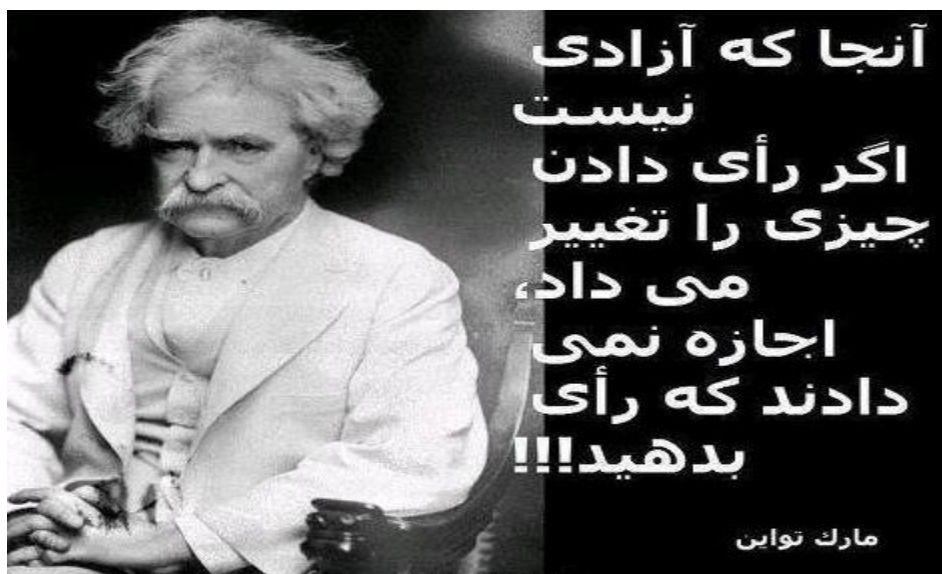
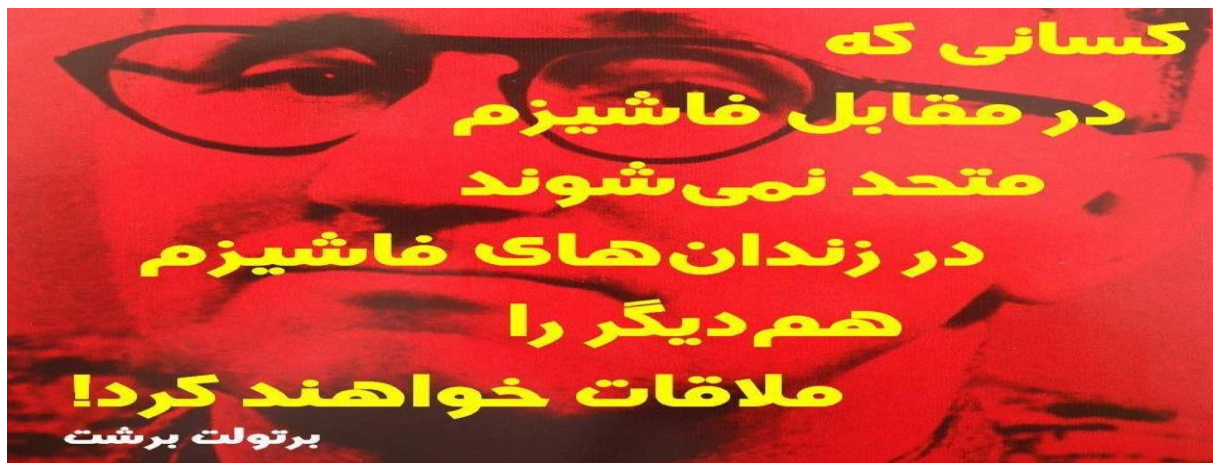
آئین نامه

- شرکت در شورا فردی است.
- همه اعضا دارای یک رای هستند و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارند.
- شورا مستقل است و به هیچ گروه و سازمان سیاسی و مذهبی وابستگی ندارد.
- تمامی تصمیمات در شورا جمعی است.
- مجمع عمومی اعضا بالاترین ارگان تصمیم گیری است و هر ماه یکبار برگزار میشود.
- مجمع عمومی محل تصمیم گیری، تعیین گروههای کاری، انتخاب هیئت هماهنگ کننده، اهداف و شکل کار شورا است.
- هیئت هماهنگ کننده در مجمع عمومی شورا انتخاب شده و مسئولیت هماهنگی تصمیمات مجمع عمومی اعضا و فعالیتهای توافق شده در مجمع عمومی است.
- پذیرش مسئولیت داوطلبانه است.
- اعضا میتوانند پیشنهادات خود را به مجمع عمومی ارائه داده تا بعد از بحث و تبادل نظر تصویب گردد.
- هیئت هماهنگ کننده هر هفته تشکیل جلسه داده و به اطلاع کلیه اعضا زمان و مکان جلسات را میرساند و اعضا در صورت علاقه میتوانند در جلسات شرکت نمایند.
- تمامی جلسات گروههای کاری شورا برای شرکت اعضا علاقمند آزاد است.
- گروههای کاری در صورت تقبل مسئولیت موظف به اجرا و دادن گزارش به مجمع عمومی هستند.
- حق عضویت شورا حداقل 100 کرون می باشد.

shorahamkari@gmail.com

مصوب مجمع عمومی شورای هماهنگی علیه کشتار جمهوری اسلامی (فریاد خاوران)

25 سپتامبر 2016



بدون شرح!

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

پیرده اطلاعیه قبلی کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره پشتیبانی حزب ما از نامزدهای غیر حزبی برای مجلس خبرگان، اینک به اطلاع میرساند که در کرمشاه، امضاء و هواداران و دوستان حزب، علاوه بر رفیق رضاشلتوکی، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران،

به حجت الاسلام سید یونس موسوی رأی خواهند داد. حزب توده ایران، ضمناً اعلام میدارد که در هر نقطه ای که آیت الله صادق خلخالی نامزد باشند، به ایشان رأی خواهد داد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۵۸ ر ۵۲۹

دبیر اول حزب توده ایران: داد گاههای انقلاب ایران را سر بلند کرد



نام آیت الله خمینی در تاریخ انقلابهای جهان خواهد ماند

حزب توده ایران برای حل مشکلات بیکاری پیشنهاد های خود را به دولت میدهد

نورالدین کشاورزی

خلخالی بعنوان حاکم شرع به کردستان رفت

خلخالی: امیر و امیر اشتران و قند و انقلاب را در کردستان نابود کنم و بازگردم

۱۲ صفحه چاپ دوم

اطلاعات

دوشنبه ۲۹ خرداد ماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۵۹۳۳ - شماره ۱۵ وصال

★ پاسداران باید به سلاح سنگین مسلح شوند!

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

ن-۳۳-۴۷

تلگراف مجاهدین خلق به امام خمینی

قم - محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی بسم الله الرحمن الرحيم

پدر گرامیمان اکنون که انقلاب رهائی بخش اسلامی و صدامبرایستی ایران در سیر حقیقی مردمی خود مجدداً "اوج گرفته" و پیران است تا ریشه های استعماری و آمریکائی شاه خائن را ازین برانداخته و راه هرگونه بازگشت را بر آنها نهد؛ فرزندان مجاهد شما که اکیداً خواستار ادامه مبارزات ضد استعماری شما هستند جانهای ناچیز خود را که کمترین فدیه ها ی این مین و این خلق و مکتب است بر کف گرفته و آمادگی نثار کردن آنها را با همه توانائی های ناچیز ترسیاسی و نظامی شان اعلام می دارند.

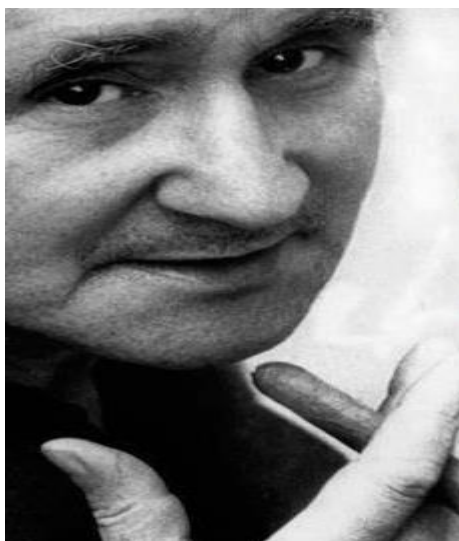
به انتظار فرمان قاطع امام در ریشه کنی همدینیا دهای میریالیستی و صهیونیستی مجاهدین خلق ایران ۵۸/۸/۱۴

سلاطینی آیت الله خمینی را آرزو می کنیم

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران



هر چه کشوری
بیشتر مذهبی باشد،
جنایت در آن زیاد تر است.
ناپلئون بناپارت



جایی که بی عدالتی
جایگزین قانون شود،
مبارزه به وظیفه ای
مبرم تبدیل می‌گردد.
- برتولت برشت

کلیت نظام جمهوری اسلامی باید برچیده شود!

زندانه‌های رژیم مملو از زندانیان سیاسی است!

با تشدید رعب و وحشت، زندان، شکنجه و اعدام،

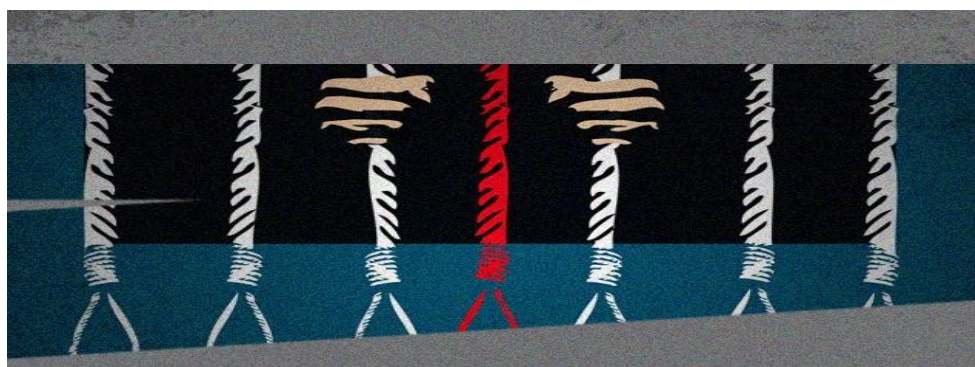
رژیم جمهوری اسلامی در ایران می‌خواهد

خود را از بحران سیاسی و اجتماعی نجات دهد!

**برای آزادی فوری، بدون قید و شرط زندانیان سیاسی
متحد و متشکل شویم!**

پیروزی ما در اتحاد و سازماندهی ماست!

**علیه زندان، کشتار و اعدام
متحد و متشکل بپاخیزیم!**



سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

نابرابری اقتصادی در دنیای امروز

دنیا مملو از امکانات اقتصادی و مالی است، کارگران و زحمتکشان دنیا تولید کنندگان اصلی ثروت هستند، اما سهم آنها کمترین حد از ثروتهای تولید شده است و در قبال سرمایه تولید شده فقط چند درصد ناچیزی را بعنوان مزد دریافت میکنند، تا بتوانند زنده بمانند و برای سرمایه باز تولید کنند و سود و سرمایه بیشتری بیافرینند.

فقر در سراسر دنیا بیداد میکند.

یک درصد دنیا دارای بیشترین ثروت دنیا هستند. 80 درصد دنیا تقریباً هیچ ثروتی ندارند.

دو درصد دنیا برابر با نیمی از جمعیت دنیا ثروت را به خود اختصاص داده اند.

جمعیت دنیا را 7 میلیارد نفر تشکیل میدهند.

کل ثروت دنیا 223 تریلیون می باشد.

یک درصد ثروتمندان دنیا 43 درصد کل ثروت دنیا را به خود اختصاص داده اند.

80 درصد جمعیت دنیا فقط 6 درصد از ثروت دنیا را برخوردارند.

300 نفر از ثروتمندان دنیا برابر با 3 میلیون نفر از جمعیت دنیا ثروت دارند.

در دنیای امروز اختلاف طبقاتی عمیقتری هر لحظه رو به افزایش است و مداوم تعداد ثروتمندان کمتر و تعداد فقرا بیشتر میشود. اموال و امکانات دنیا دست اندکی از صاحبان سرمایه متمرکز شده است و با قدرت مالی و اقتصادی خود دنیا را آنطور که به نفعشان است، سازمان داده اند. آنها سیاستمدارانی را در راس حکومت میگذارند تا منافع آنها را با سیاستهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ... حفظ و افزایش دهند.

در مقابل این سیستم و نظام برده داری مدرن باید یکصدا و محکم است.



And Nobody calling them terrorist



Killer of millions.

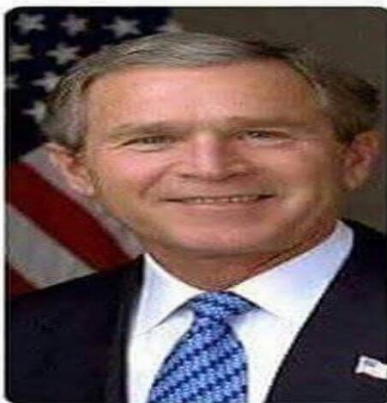
Kuwait, Panama, Somalia, Haiti, Yugoslavia, Afghanistan, Iraq, Pakistan, Yemen, Syria, Egypt, Libya, Ukraine, Venezuela....



Who's Next??



Taliban



Al Qaeda



ISIS

راسیسم و فاشیسم ایده و نظر نیستند،
راسیسم و فاشیسم جنایت علیه انسانیت اند!
ناسیونالیسم پایه و اساس نژادپرستی،
راسیسم و فاشیسم است!

**Nationalism är grunden för
rasism och fascism!**



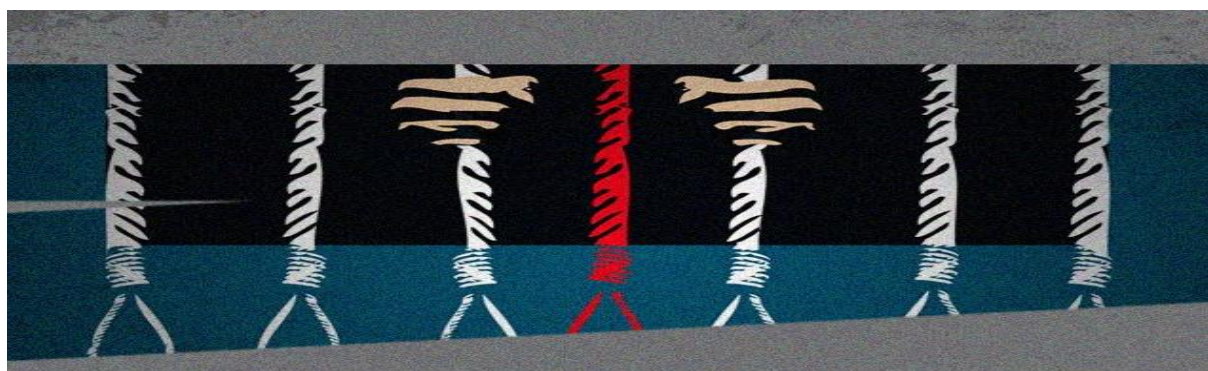
**Rasism och fascism är inga åsikter,
de är brott mot mänskligheten!**

**Rasism och fascism är vare sig ide
eller ideologi utan bedrägeri och
allvariga hot mot mänsklighet.**

**Hela Islamiska regimen i Iran
är skyldiga
till massmord av politiska fångar!**

**Vi fördömer Islamiska regimen omänskliga handlingar
mot alla olikstänkande i Iran!**

**Enade kamp mot den
Iranska islamiska regimen
kriminella handlingar!**



**Stoppa arresteringar,
fängelsestraff, tortyr och
avrättningar omedelbart!**

Protestmöte

Inför Sveriges Statsministens resa till Iran!

Stefan Löfven ska besöka Islamiska terrorregimen i Iran den 11 februari med en affärsdelegation för ekonomisk och politisk handel. Det är få människor som inte vet något om den iranska regimens våld och förtryck mot medborgare i Iran men också de i exil.

Alla stater och politiker vet mycket väl om Iranska Islamiska republikens aggression och anfall mot det Iranska folket.

Arbetarna och löntagare i Iran och Sverige förväntar sig en solidarisk politik som garanterar demokrati, social och ekonomisk trygghet för arbetarna och löntagare båda länder och i hela världen.

Arbetare i Iran och det iranska folket förväntar sig stöd och solidaritet i kampen mot den iranska regimen för att åstadkomma fred och frihet, i hopp om att bygga upp en fungerande demokrati och välfärd.

Vi uppmanar allmänheten till en protestaktion mot dessa samarbeten mellan statsmakterna i Iran och Sverige.

Lördag 4 februari 2017

Kl. 14.00 – 16.00

Stockholm – Mynttorget

Samordningsgruppen mot Sveriges statsministens affärsresa till Iran!

Stå stark mot samarbete med terrorregimen i Iran!

Arbetarna i Iran saknar organisationsrätt och strejkrätt och många arbetaraktivister sitter i fängelse för att de har krävt rätt att organisera sig och har kämpat för sina fackliga rättigheter. Islamiska regimen har bildat sina organisationer såsom islamiska rådet, islamiska arbetarföreningar och liknande på fabriker och olika arbetsplatser och de spelar som spion för regimen mot arbetarna. Folket saknar yttrande frihet och fängslas med falska påståenden och anklagelser från regimen. Idag är iranska fängelser full av politiska fångar som lever med tortyr och våldtäkt utan att ha möjligheter till försvar. Det finns politiska fångar som väntar på sin exekution samtidigt som arbetarna piskas på öppengata bara för att dem har begärt de uteblivna löner och berättigade lönehöjningar.

Den 11 februari 2017 reser statsminister, Stefan Löfven och Anders Ferbe, Metall ordförande som medföljare med en rad svenska kapitalister till Iran. De kommer skaka hand med den iranska regimen för att möjliggöra exploateringen av det iranska arbetare och folket utan att bry sig om det sociala, politiska och ekonomiska helvete i Iran.

Arbetarna och folket i Iran ser det svenska arbetare och folket som sina solidariska medkämpare. Iranska arbetare hoppas på det svenska arbetare och folkets stöd i sin kamp mot det iranska islamiska republiken och alla regimer och stater som backar upp den i diplomatins och fredens namn.

Vi fördömer de politiska och ekonomiska förbindelserna med terrorregimen i Iran.

Februari 2017

Iransk – Svenska arbetar solidaritets kommitté

Brev till LO

om affärsresa till Iran!

Alla stater och politiker känner mycket väl till den iranska islamiska republikens aggression och anfall mot det iranska folket. Det är få människor som inte vet något om den iranska regimens våld och förtryck mot sina medborgare i Iran men också de i exil. Regimen har ruinerat livet för miljontals iranier.

Social otrygghet tillsammans med ekonomisk osäkerhet förpestar vardagen för de flesta iranier som dessutom är utsatta för ett ständigt och konstant politiskt förtryck. Dessa utförs i form av kränkningar av organisationsrätt och strejkrätt, arresteringar, fängelse och avrättningar.

Demonstrationer och protester slås brutalt ner och oppositionella hamnar i fängelse med tortyr och död som påföljd. Den iranska regimen är sin vana trogen och fortsätter samma politik som den vidtog redan från början när islamiska prästerskapet tog makten i Iran.

Regimen i Iran har nämligen från början genomfört en räd mot kvinnofriden och sekulärt tänkandet samt skapade en kultur av girighet och roffaranda. Den har garanterat sitt fortbestånd genom att kuva alla oppositionella politiska rörelser och slå ner all politisk opposition på alla nivåer.

Idag är iranska fängelser fulla av politiska fångar som lever med tortyr och våldtäkt utan att ha möjligheter till försvar. Det finns politiska fångar som väntar på sin avrättning samtidigt som arbetare piskas på öppen gata inför folk bara för att dem har begärt att få de uteblivna lönerna och de berättigade lönehöjningar.

Iran rankas som en av världens främsta mördare på politisk oliktankande vilket har framkommit av olika statistiska källor av vilka det framgår att Irans islamiska republik avrättar lika hänsynslös som Kina och USA. Enligt den statliga beräkningen har det under 2015 avrättats 1 054 personer. Den faktiska siffran är betydligt högre än så.

Arbetarna i Iran saknar organisationsrätt och strejkrätt och många arbetaraktivister sitter i fängelse för att de har krävt en rätt att organisera sig och har kämpat för sina fackliga rättigheter. Islamiska regimen har bildat sina

organisationer såsom islamiska rådet, islamiska arbetarföreningar och liknande på fabriker och olika arbetsplatser och de spelar en roll som spion för regimen mot arbetarna. Folket saknar yttrandefrihet och fängslas med falska påståenden från regimen.

LO och de andra arbetarorganisationerna världen över har bra kännedom om dessa kränkningar och har själva rapporterat om detta i sina årliga sammankomster. LO har kritiserat islamiska antiarbetarregimen i Iran för sina kriminella handlingar mot arbetare och krävt frigivning av arbetaraktivister som har fängslats, torterats och mördats.

LO bodde fortsätta agera mot den islamiska diktaturregimen i Iran istället för att skaka hand med dem. Den svenska arbetarklassen och hela arbetarrörelsen i Sverige ser ingen vinst i att driva en destruktiv utrikespolitik som leder till fattigdom och umbäranden för medmänniskor i andra länder.

Det svenska folket ser solidariteten med andra folk som en motvikt mot den globala kapitalismen, medvetna om nödvändigheten av alla folkens förenade krafter mot omänskliga och odemokratiska stater som fortsätter exploateringspolitiken.

Arbetarna och löntagare i Iran och Sverige förväntar sig en solidarisk politik som garanterar demokrati, social och ekonomisk trygghet för arbetarna och löntagare i båda länderna och i hela världen.

Arbetare i Iran och det iranska folket förväntar sig stöd och solidaritet i kampen mot den iranska regimen för att åstadkomma fred och frihet, i hopp om att bygga upp en fungerande demokrati och välfärd.

Det iranska folket ser det svenska folket och andra länders folk som sina solidariska medkämpare vilka tillsammans kan bekämpa Stater och regimer som gör sig skyldiga till kapitalismens bestånd och exploateringspolitiken. Det iranska folket, inte minst iranska arbetare hoppas på de svenska arbetarnas och folkets stöd i sin kamp mot den iranska islamiska republiken och alla regimer och stater som backar upp den.

Leve internationell arbetarsolidaritet!

februari 2017

Samordningsgruppen mot Sveriges statsministers affärsresa till Iran!

Khavarnas Rop Bulletin

Rådet mot den Iranska Islamiska regimens massmord

FEBRUARI 2017 NR. 3

shorahamkari@gmail.com

Rådet mot den Iranska islamiska regimens massmord ser det som en plikt att anordna protester mot avrättningar, dödsdomar och fängelsestraff i Iran och visa solidaritet med alla familjer vars medlem/medlemmar har fängslats, torterats och avrättats av den kriminella islamiska regimen i Iran.

Rådet mot den Iranska islamiska regimens massmord ser livet som en existentiell rätt för var och en. Ingen människa ska få dödsstraff på sig, gäller även en med farlig kriminell bakgrund.

Rådet mot den Iranska islamiska regimens massmord vill solidariska samhälleliga förebyggande insats för alla och frihet i dess vida bemärkelse för alla medborgare.

Det är mot denna bakgrund som Rådet mot den Iranska islamiska regimens massmord kallar till protest möte och aktion för politiska fångars frihet och mot dödsstraff och avrättning, i en enad kamp mot den islamiska republikens tyranni och förtryck i Iran.

